

آسیب‌شناسی مالی رایج اسلامی با تأکید بر آثار مرحوم موسویان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۱

۵ غلامعلی معصومی نیا*

چکیده

مرحوم موسویان در آثار فراوان خود عمده مسائل مورد بانکداری اسلامی و بازار سرمایه اسلامی را بررسی کرده است. در سال‌های اول تحقیق عملکرد بانکداری و بازار سرمایه کشور را با معیارهای اسلامی مغایر می‌دانست. وی قایل بود این سیستم موجود حقیقت ربا را از بین نبرده و در رسیدن به اهداف رشد و عدالت کامیاب نبوده است. در ریشه‌یابی به عواملی همچون صوری بودن برخی فعالیت‌ها، ضعف در درک صحیح عقود اسلامی، ضعف در نظارت شرعی بودن عملیات بانکی، عدم توزیع مناسب عقود بانکی متناسب با الگوی کسب و کار بانک‌ها و... پرداخت و متناسب با هر عامل در تحقیقات خود راهکارهایی ارائه داد؛ اما به مشکل اصلی یعنی ساختار ربوی و لیبرالی بازار پول و سرمایه پرداخت. همین امر سبب شد عمده راهکارهایی که برای حل مشکل ارائه داده بود، به‌نوعی سبب تشدید مشکلات گردد. در این مقاله با نقل مستقیم برخی مطالب و تحلیل آن اثبات شده است نتیجه مجموع راهکارها کمک به تقویت حقیقت ربوی بازارهای مالی و حاکمیت یک نظام مالی متناسب با نظام سرمایه داری، آن هم از نوع بد آن یعنی سرمایه‌داری مالی به اسم اسلام است. البته اگر ساختار مطلوب مالی اسلامی طراحی شود، می‌توان از بسیاری از تحقیقات ایشان در یک ساختار درست بهره برد.

واژگان کلیدی: بازارهای مالی، مالی اسلامی، مرحوم موسویان.

طبقه‌بندی JEL: Z10, Z12

* عضو هیئت علمی گروه اقتصاد و بانکداری اسلامی دانشگاه خوارزمی.

مقدمه

مرحوم آقای موسویان تلاش‌های وافری برای اسلامی کردن نظام مالی انجام داد. وی توانست آثار علمی متعددی اعم از کتاب‌ها و مقالات فراوان عرضه نماید. به جرئت می‌توان گفت در کشور ما بیشترین آثار را در این زمینه عرضه نموده و از این جهت قابل قدردانی بوده و در درگاه الهی سبب ترفیع درجات ایشان خواهد شد. اما مناسب است ارزیابی دقیقی در مورد آثار ایشان صورت گیرد. باید نقاط قوت احصا و توسط محققان تقویت شده، این مسیر ادامه یابد؛ اما طبیعی است شناخت نقاط آسیب هم مهم و لازم است تا در تحقیقات بعد راه‌های رفع این آسیب‌ها شناسایی و زمینه طراحی نظام مالی مطلوب اسلامی فراهم شود.

۶

فصلنامه علمی اقتصاد اسلامی / مقاله علمی پژوهشی / غلامعلی مصوم‌نیا

شرایط لازم پاسخ فقهی مناسب به مسائل نوظهور

اسلام دینی جامع است. این دین خاتم برای تمامی ابعاد اعتقادی، اخلاقی، جنبه‌های فردی و اجتماعی انسان برنامه دارد. تمامی این برنامه‌ها با هم هماهنگ است. علم شریف فقه عهده‌دار استنباط برنامه اداره زندگی فردی و اجتماعی انسان از کتاب و سنت می‌باشد. لازم است فقیه در فرایند استنباط تنها بعد فردی انسان‌ها را در نظر نگیرد، بلکه ارتباط احکام را با یکدیگر و با معیارهای عامی که در کتاب و سنت آمده است نیز مد نظر قرار دهد. در غیر این صورت احتمال خطا افزایش می‌یابد؛ علاوه بر این گاهی مجموع استنباطات با اهداف مسلم شریعت تعارض خواهد داشت. در این مقاله بر اساس این امر در صدد ارزیابی آثار آقای موسویان هستیم. بیان نقدها تکریم ایشان و سبب تقویت این مسیر است؛ بنابراین مناسب است از آن استقبال شود. برای این کار لازم است ابتدا روش شناسی ایشان مد نظر قرار گیرد. در این صورت تحلیل آثار راحت‌تر می‌شود. ارزیابی و نقد روش این محقق در حقیقت ارزیابی و نقد قسمت زیادی از بانکداری اسلامی و بازار سرمایه اسلامی رایج به‌ویژه آن قسمت است که در مالزی و ایران رایج شده است. در این مقاله تنها به بخشی از موارد پرداخته می‌شود، وگرنه بررسی تمامی موارد نیاز به تألیف یک کتاب دارد که واقعاً لازم است.

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله از نظر ماهیت توصیفی-تحلیلی (Descriptive Method) و از نظر نوع ارزش‌یابی است؛ چه اینکه در آن نظرات یکی از محققان تحلیل و ارزیابی شده است. همه مسائل فقهی که در این مقاله مطرح شده، دارای پشتوانه اجتهادی است که - ان شاء الله- در تحقیق جداگانه‌ای به صورت مستدل و مبسوط به هر یک پرداخته خواهد شد. این مقاله به اقتضای موضوعش دربردارنده مسائل متعددی است که بررسی اجتهادی آنها بیرون از ظرفیت یک مقاله است. به دلیل رویکرد انتقادی مقاله به منظور اطمینان خواننده نقل مستقیم در مقاله زیاد است.

روش‌شناسی آثار موسویان

۱- این محقق در ابتدای کتاب **بانکداری اسلامی** نام رویکرد مقبول خود را «رابطه تعاضدی بین علم و دین» می‌گذارد: «رابطه اقتصاد اسلامی و علم اقتصاد متعارف به طور عام و بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف به طور خاص به صورت تعاضدی و تعاون تعریف می‌شود... با توجه به رویکرد تعاضدی می‌توان مدعی بود که هیچ الزام شرعی و عقلی درباره تولید الگوهای اقتصادی و بانکداری از ابتدا و نقطه صفر وجود ندارد، بلکه تمام روش‌ها و شیوه‌هایی که در نظام متعارف تولید شده‌اند ولی ناسازگاری با تعالیم اسلامی ندارند یا اینکه ناسازگاری‌های موجود در آنها قابل اصلاح و در چارچوب اسلامی است، می‌توانند متصف به صفت اسلامیت گردند» (موسویان، ۱۳۹۴، ص ۲۹).

در این رویکرد محقق سعی می‌کند عدم تغایر یا بازسازی دستاوردهای مالی متعارف با شریعت را کشف کند که با تغییر، تخصیص یا تقیید در موضوع صورت می‌پذیرد؛ لذا ساختار رایج را حاصل عقلانیت دانسته، هیچ نیازی به تغییر آن احساس نمی‌کند. بر این اساس تمام روش‌ها و شیوه‌هایی که در نظام متعارف تولید شده‌اند ولی ناسازگاری با تعالیم اسلامی ندارند یا اینکه ناسازگاری موجود آنها قابل اصلاح در چارچوب اسلامی است، می‌توانند به اسلامیت وصف گردند» (موسویان و میثمی، ۱۳۹۴، ص ۲۹).

۲- در مقاله «دین و اقتصاد» (۱۳۸۱) معتقد است هرچند هدف دین سعادت دنیا و آخرت انسان‌ها بوده، به تبع آن، تعالیم پیامبران را شامل دنیا و آخرت هر دو می‌داند، در طراحی

نظام اقتصادی، باید اهداف، اصول و چارچوب‌های اساسی را با توجه به آموزه‌های دینی تعریف کرد، ولی نباید دین را متکفل پاسخ‌گویی هر حرکت اجتماعی و اقتصادی دانسته، در هر طرح و برنامه‌ای دنبال آیه و حدیث گشت (ر.ک: موسویان، ۱۳۸۱، ص ۳۷-۶۰).

ملاحظه

بر اساس روش‌شناسی یادشده دیدگاه ایشان در این دوره بیشتر بر بازسازی نظام اقتصادی متعارف با لحاظ معیارهای اسلامی مبتنی است. این دیدگاه مدعی و در صدد طراحی نظام اقتصادی اسلام از منابع اسلامی نیست. همین مبنا زمینه چرخش‌های بعدی این محقق در این زمینه را فراهم نمود. اینکه اسلام با دستاوردهای عقل مخالفت ندارد، امری مسلم است؛ اما فرق است بین یافته‌های قطعی و یافته‌های ظنی عقل. بسیاری از مواردی که پنداشته می‌شود از مسلمات عقلی است، چنین نیست؛ بلکه حکم ظنی عقل می‌باشد. تعارض‌های جدی بین افکار متخصصان بازارهای مالی رایج مؤید ظنی بودن است. از سوی دیگر مواردی از قبیل نظام مالی رایج بر ارزش‌های اعتقادی و اخلاقی غرب استوار شده و از علم و عقل به عنوان ابزار در مسیر این طراحی استفاده گردیده است. این مطلب نیاز به تفصیل دارد که به جای خود موکول می‌شود. در این مقاله در صدد تشریح و تبیین محصول این مبنا هستیم.

۳- در مقاله «حوزه‌های فقه‌ای و عرصه‌های کارشناسی بانکداری اسلامی» (همو، ۱۳۸۲، ش ۱۲) احکام اقتصادی را به احکام ثابت و احکام متغیر تقسیم می‌کند: «احکام ثابت که همانند چارچوب‌های اساسی و پی‌ساخت‌های بنیادین است، محتوای اسلامی جامعه را حفظ می‌کند». از مثال‌هایی که آورده است، مقصود ایشان از ثابت و متغیر معلوم می‌شود. احکام ثابت مانند حاکمیت دولت اسلامی بر نظارت، کنترل و هدایت معاملات بانکی، خالی بودن معاملات بانکی از اکل مال به باطل، ربا، غرر و بیع کالی به کالی و عرصه‌های متغیر از قبیل مالکیت منابع و سرمایه بانک‌ها (دولتی، خصوصی، داخلی، خارجی)، انتخاب عقود شرعی مناسب، انتخاب ساختار و سازماندهی مناسب. وی با تمسک به «اصالۃ البرائۃ» ما را در انتخاب نوع بانک که خصوصی باشد یا دولتی، آزاد دانسته است. نتیجه طبیعی بیان یادشده این است که استفاده از ساختار موجود بانک‌های رایج البته با رعایت احکام ثابت، امری روا بوده و مجموع آن اسلامی می‌شود.

ملاحظه

مطلب بسیار مهم توجه به این امر است که مواردی مانند مدیریت بانک‌ها (دولتی، خصوصی، داخلی، خارجی) انتخاب ساختار و سازماندهی مناسب که جزء عناصر متغیر نام برده شده، غالباً ساختارهای آن از نظام سرمایه‌سالاری گرفته شده که بارها گفته شد مبتنی بر ارزش‌های این نظام‌اند. اصل بانک با ساختار ویژه خود چنین است و بانک‌های خصوصی به شکل رایج از بانک دولتی مسئله‌دارتر است. در این صورت نوبت تمسک به اصالة البرائة نمی‌رسد. این اصل ویژه آنجاست که هیچ حکمی به ما نرسیده است؛ در حالی که در اینجا دلایل اجتهادی زیادی داریم. خود این محقق در ادامه مقاله آورده است «روشن‌ترین اشکال بانکداری بدون ربا در جمهوری اسلامی ایران، عدم تطابق ساختار اجرایی نظام بانکی با ماهیت بانکداری بدون رباست...»؛ اما بلافاصله صرفاً برخی اصلاحات روبنایی را پیشنهاد می‌کند؛ مانند «طراحی انواع سپرده‌های جدید چون سپرده‌های با سود ثابت، انتقال‌پذیر و انواع تسهیلات چون اعتبار در حساب جاری، به‌کارگیری ابزارهای نو در بازار سرمایه...» که واضح است سبب تغییر اساسی نمی‌شود. این محقق بر آن است استفاده از تجارب نظام مالی لیبرال اشکالی نداشته و همانند قراردادها و ساختارهای مالی قبل از ظهور اسلام بوده که شارع آن را امضا کرده است. ملاحظه مهم بر این مطلب این است که نظام مالی غرب یک کل منسجم است که عناصر بسیار زیادی در درون خود دارد که همگی بر اساس مبانی اومانیستی استوار شده و تأمین‌کننده اهداف ویژه خود می‌باشد. این مبانی و اهداف با مبانی اسلامی در تضاد است. اصالت سود و مانند آن هم که روح حاکم بر فعالیت‌ها را نشان می‌دهد، با مشروعیت سود در چارچوب اسلامی هم مغایرت دارد. اموری مانند صرافی پدیده‌های موردی در کل نظام ساده آن روزگار بودند و با وجود این اسلام با ضوابط خود تغییراتی اساسی ایجاد نمود. نظام پولی و بلکه صرافی بر ربا استوار بود و اسلام با تحریم ربا در اساس مبادلات تحول اساسی ایجاد نمود و درحقیقت زمینه تحول اساسی و بنیادی در اقتصاد ایجاد نمود. بنابراین مشکل «در کشورهای مختلف» بودن نیست، بلکه مشکل اساسی در نظام سرمایه‌داری با تمامی جوانب آن است.

سیری بر آثار موسویان بر اساس روش یادشده

تلاش ما این است که خطوط اصلی تفکر جناب موسویان در زمینه مالی اسلامی بیان شود. آثار ایشان در زمره تمرکز بر مباحث فقه معاملات مالی با رویکرد انفعالی طبقه‌بندی می‌شود. نقطه مشترک این دیدگاه حفظ ساختارهای حاکم بر اقتصاد مالی رایج و تلاش برای تصحیح فقهی و در صورت عدم جواز بر شبیه‌سازی و پیشنهاد جایگزین اسلامی آن بوده که به طور معمول با حفظ ساختارها و نهادهای مالی لیبرال همراه می‌باشد. حتی آثاری که ظاهر مبنایی داشته مانند «اجتهاد چندمرحله‌ای: روش پژوهش استنباط مسائل فقه اقتصادی» نیز به‌نوعی روش‌شناسی رویکرد انفعالی را به‌وضوح بیان می‌کند. در ابتدای چکیده این مقاله آمده است: «ابواب اقتصادی و معاملات در اسلام، ماهیت امضایی دارند. اندیشه‌وران اقتصادی متناسب با نیازهای جامعه به طراحی ابزارها و شیوه‌های معاملاتی اقدام می‌کنند و فقیهان مالی در چارچوب اصول و قواعد شریعت، آنها را بررسی و گزینش می‌کنند» (ر.ک: همو، ۱۳۹۵، ش ۶۳).

تحول فکری در طول زمان

افکار و آثار ایشان در دوران تحقیق در مورد نظام پولی و مالی اسلامی چند مرحله را طی کرده که دو مرحله بیان می‌شود:

مرحله اول: در دوره اول فکری به محکومیت بهره به هر نوع و نظام وکالتی بانکداری بدون ربا و تأکید بر نظام قرض‌الحسنه و مشارکتی می‌پردازد. چند مورد نقل می‌شود:

۱- از اولین آثار علمی ایشان مقاله «بهره بانک‌های دولتی» (۱۳۷۷) بود که در آن به نقد استثنای ربا برای دولتی که از طرف آیت‌الله معرفت مطرح شده بود، پرداخته است.

۲- در مقاله «نقد و بررسی مبانی حقوقی و دلایل اقتصادی بهره» (۱۳۷۸) به نقد نظریات توجیه بهره می‌پردازد. در انتهای این مقاله پس از نقل دیدگاه‌های توجیه بهره و رد آنها آمده است: «... اسلام با تحریم نظام بهره، شیوه جدیدی در قیمت‌گذاری سرمایه ارائه می‌کند و درآمد آن را نقش‌آفرینی سرمایه در کل اقتصاد بلکه متناسب با عملکرد آن در فعالیتی می‌کند که سرمایه در آن به کار گرفته شده است...».

۳- در مقاله «ربا در بانک‌های دولتی» (۱۳۸۰) آمده «تنها راه رهایی از مفسد ربا براندازی نظام بهره و مشارکت‌دادن صاحب سرمایه و بانک در طرح‌های اقتصادی و گرفتن سودی

مناسب با کارکرد بنگاه است. در این صورت نه در پیوندهای فردی و نه در سطح کل جامعه، درآمدی خارج از اقتصاد حقیقی شکل نمی‌گیرد و آثار بد آن را نیز به دنبال ندارد». همچنین «اگر بنا شود عامل (صاحب کار اقتصادی) سود مضاربه را تضمین نماید، هیچ فرقی با ماهیت ربا نخواهد داشت و تمام مفاسدی که خود استاد (آیت‌الله معرفت) برای ربا شمرده است، به حقیقت خواهد پیوست. در روایت نیز از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام وارد شده که فرمود: «مَنْ ضَمِنَ تاجراً فليس له إلا رأس ماله وليس له من الربح شيء»^{۱۸}. بر این اساس اگر در نظام بانکی سود مضاربه از طرق مختلف مانند شرط ضمن عقد یا جبران از مال دیگر تضمین شود، حقیقت ربا با تمامی مفاسدش وجود خواهد داشت.

۴- در مقاله «مصادیق پنهان و آشکار ربا در نظام بانکی ایران» (۱۳۸۱) نشان می‌دهد نظام بانکی نخواستار یا نتوانسته آن گونه که انتظار بود، ربا و بهره را از معاملات خود حذف کند و ربا در موارد بسیاری به صورت پنهان و آشکار خود را نشان می‌دهد. مهم‌ترین مصادیق ربا در نظام بانکی را می‌توان در دو بخش اعطای تسهیلات بانکی و بخش جریمه تأخیر و تمدید مهلت پرداخت بدهی بررسی کرد». در این مقاله همچنین آمده است: «بررسی عملکرد بانکداری بدون ربا نشان می‌دهد که بدبختانه نظام بانکی، نه تنها به سمت رهایی از حقیقت بهره پیش نرفته، بلکه با اتخاذ برخی روش‌ها و راهکارها به سمت آن کشیده شده است و این حقیقت تلخ را می‌توان در مسائل آینده به‌روشنی مشاهده کرد». همچنین می‌گوی: «آشنایان با مسائل نظری بانکداری اسلامی می‌دانند که این روش‌ها همگی از جهت فقهی مورد قبول بوده، جایزند؛ اما از میان آنها فقط عقود مشارکتی، سرمایه‌گذاری مستقیم و قرض‌الحسنه با اهداف بانکداری اسلامی و اقتصاد اسلامی تناسب کامل داشته، با حکمت تحریم ربا منطبق و از حقیقت ربا و بهره در بازار سرمایه دور است و عقودی چون فروش اقساطی، سلف، اجاره به شرط تملیک، گرچه در بازار کالاها و خدمات، جایگاه منطقی و قابل دفاعی دارند، در بازار پول و سرمایه در عمل، دارای ماهیتی شبیه وام و اعتبار ربوی هستند؛ در نتیجه هرچه سهم عقود مشارکتی، سرمایه‌گذاری مستقیم و قرض‌الحسنه بیشتر باشد، به حقیقت بانکداری اسلامی نزدیک‌تر می‌شویم و بر عکس، هرچه سهم آنها کمتر شود، به حقیقت ربا و بهره نزدیک‌تر می‌شویم». در مورد وضعیت عقود مشارکتی در بانک‌ها «در مشارکت مدنی، بانک‌ها عموماً ملاحظه قانونی مربوط به پیش‌بینی سود را ندیده می‌گیرند

و از همان ابتدا، نرخ‌های مربوط به پیش‌بینی حداقل سود را بدون توجه به واقعیت و میزان سود محقق، تعیین و محاسبه و از مشتری مطالبه می‌نمایند. «نظام بانکی با افزایش سهم عقود با بازده ثابت و تثبیت بازده عقود با بازده متغیر و تغییر ماهیت عقود مشارکتی، به تدریج به سمت حقیقت بانکداری ربوی گرایش یافته است. توضیح بیشتر دیدگاه ایشان این است که در بازار واقعی معمولاً فروش اقساطی، سلف و اجاره به صورت واقعی انجام می‌شود، اما در بانک و بورس صرفاً قرارداد بر اساس این عقود تنظیم می‌شود؛ اما وقتی مشتری تسهیلات را گرفت، صرف امور دیگر می‌کند و اصل و فرع آن را به بانک باز می‌گرداند. بانک‌ها هم بسیاری اوقات از ابتدا می‌دانند که مشتری به دنبال عمل بر اساس قرارداد نیست، اما اقدام می‌کنند. از این بالاتر به مشتری متقاضی یاد می‌دهند چگونه تسهیلات را به صورت صوری و با امضای فرم قرارداد در قالب یکی از این عقود بگیرد و با پول دریافتی هر کار می‌خواهد انجام دهد و بر اساس مبلغ - مدت - نرخ آن را برگرداند». به این ترتیب وی در سال ۸۱ از منتقدان جدی بود و می‌گفت بانک‌ها باید از عقود با بازدهی ثابت بکاهند و عقود مشارکتی را افزایش دهند.

۵- در سال‌های اخیر هم در مقام بیان آسیب‌شناسی در مقاله «میزان کامیابی شبکه بانکی کشور در تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام» (۱۳۹۸) با بهره‌گیری از شاخص‌های بانکداری اسلامی و با استفاده از داده‌های مراکز آماری میزان کامیابی شبکه بانکی کشور در تحقق اهداف عدالت، رشد اقتصادی، استقلال و سرمایه اجتماعی ارزیابی شده است. نتیجه این است که «وضعیت سیستم بانکداری کشور از منظر شاخص‌های عدالت، رشد اقتصادی، استقلال و سرمایه اجتماعی رو به بهبود نیست» (همو، ۱۳۹۸، ص ۱۱۹-۱۵۰).

بنابراین محقق محترم در رویکرد اخیر وجود مشکل اساسی در نظام بانکی را می‌پذیرد؛ اما مسئله بسیار مهم ریشه‌یابی این امر است. در کتاب **بانکداری اسلامی** در آسیب‌شناسی امر یاد شده به صورت عمده عواملی از قبیل ضعف آموزش کارکنان بانک‌ها، تعدد عقود و مانند آن را مطرح نموده و همین امر سبب ارائه راهکارهایی از قبیل مباحثه بانکی شده است. به نظر نگارنده این قبیل عوامل روبنایی و معلول عامل اصلی یعنی ساختار بانک‌هاست.

مرحله دوم: پس از گذشت چندین سال رویکرد ایشان تفاوت‌هایی پیدا نمود. پس از ذکر چند مورد، خواننده خود در مورد نسبت این موارد با ملاک‌های ذکر شده قضاوت خواهد کرد:

۱- دفاع از بانک‌های خصوصی: مرحوم موسویان مدافع جدی خصوصی‌سازی بانک‌ها بود (۱۳۸۹): «در اغلب کشورها بانک‌های خصوصی محور اصلی توسعه محسوب می‌شوند و بانک‌های دولتی عمدتاً وظیفه ایجاد تعادل در شبکه بانکی را دارند... ورود نمایندگان بانک‌های خصوصی در عرصه‌های تصمیم‌گیری و حضور فعال آنها یکی از ابزارهای لازم برای خصوصی‌سازی و شکل‌گیری رقابت در سیستم بانکی به حساب می‌آید... عدم همراهی بانک‌های خصوصی با سیاست‌های بانک مرکزی ناشی از بی‌توجهی شورای پول و اعتبار به دغدغه‌های این بانک‌هاست» (در: <https://b2n.ir/747413>).

ملاحظه

ملاحظات در مورد این نظر وجود دارد:

الف) روشن است یکی از بزرگ‌ترین مشکلات اقتصاد ایران رشد بی‌رویه نقدینگی است. با توجه به افزایش روز افزون رکود و حدود ۴۰٪ برابری نقدینگی می‌توان رشد نقدینگی را بزرگ‌ترین بلا برای کشور دانست: «بررسی آمارهای اقتصادی بانک مرکزی نشان می‌دهد که از سال ۱۳۹۰ به بعد، نقش غالب در پایه پولی به بدهی بانک‌های خصوصی به بانک مرکزی اختصاص داشته است. سهم بانک‌های خصوصی در افزایش پایه پولی از زیر ۱۰ درصد در سال‌های ابتدایی دهه ۹۰ به بالای ۶۰ درصد در سال‌های اخیر افزایش یافته و در عین حال سهم بانک‌های دولتی از بالای ۹۰ درصد به حدود ۴۰ درصد کاهش یافته است» (در: <https://b2n.ir/z42841>). این امر بیانگر آن است که بانک‌های خصوصی نه تنها در مجموع سبب پیشرفت اقتصاد نشده‌اند بلکه با تشدید رشد نقدینگی غیر مولد عامل تخریب بوده و هستند. به گفته یکی از محققان «بررسی‌های ما نشان می‌دهد، هیچ عنصری طی دو دهه گذشته در نابسامان‌سازی حیات اجتماعی ایرانیان اعم از اقتصادی و اجتماعی به اندازه نقش‌آفرینی‌های فاسد و مخرب بانک‌های خصوصی نبوده است. پاداش‌دادن‌های

غیرمتعارف به تجارت پول یکی از مهم‌ترین عناصر پس‌افتادگی حیات جمعی ایرانیان و بی‌رغبتی به سرمایه‌های تولیدی است» (در: <https://b2n.ir/k93871>).

ب) مزایای اعطای تسهیلات با خلق نقدینگی حق عموم مردم است. این مطلب در جای خود اثبات می‌شود که بانک‌ها از هیچ یا از سپرده، نقدینگی خلق می‌کنند و با اعطای تسهیلات سود کسب می‌کنند. البته در نظریات جدیدتر گفته می‌شود که بانک‌ها صرفاً با خلق نقدینگی تسهیلات می‌دهند. این امر پیامدهای مختلفی برای عموم مردم دارد؛ اما سود کلانش به جیب بانک‌ها می‌رود. « بنده معتقدم خلق پول اشکال شرعی ندارد به دو شرط: شرط اول اینکه خلق پول قابل مدیریت باشد و شرط دوم این است که منافع خلق پول به جامعه برسد» (در: <https://b2n.ir/z42841>). این امر متوقف بر چند امر است: اثبات قابل اندازه‌گیری بودن منافع خلق پول، امکان شناسایی زیان‌دیدگان و میزان ضرر آنان و همچنین امکان جبران ضرر آنان و رساندن باقیمانده منافع به عموم. البته مشکل مهم‌تر این است که مگر می‌توان یک امر حاکمیتی را به بخش خصوصی واگذار نمود؟ نتیجه این است که وجود بانک‌های خصوصی منافع بانکداران را تأمین می‌کند، اما پیامدهای منفی آنها برای مردم لاینحل مانده است.

۲- سلف موازی به ضمیمه حواله: یکی از احکام سلف این است که فروش مبیع قبل از سررسید جایز نیست و این، فتوایی است که فقهای متقدم و متأخر و معاصر در آن اجماع دارند. موسویان پیشنهاد کرد خریدار در معامله سلف، اقدام به فروش مقداری معادل همان مقدار در قالب سلف دوم به شخص سوم می‌کند. دو سه برگه دیگر هم ضمیمه می‌کنند (موسویان و شیرمردی احمدآباد، ۱۳۹۴، ص ۲۵-۵۲).

الف) خریدار سلف اول به خریدار سلف دوم حواله می‌دهد، در سررسید کالا را از فروشنده سلف اول دریافت نماید.

ب) اختیار خرید همان مقدار از خریدار نهایی به قیمت معین به فروشنده سلف اول داده می‌شود.

ج) اختیار فروش همان مقدار با قیمت معین به فروشنده اول به خریدار نهایی داده می‌شود. (همان).

ملاحظه

الف) بر اساس مبنای فقه‌های ما احکام شرع تابع مصالح و مفاسد واقعی است. اگر در امری مصلحتی وجود داشته باشد که مکلف به آن نیاز واقعی دارد، آن را واجب فرموده و در مقابل اگر انجام آن کار برای مردم مفسده بالایی داشته باشد، آن را تحریم کرده است. برای مثال فروش مبیع در سلف پیش از سررسید دربردارنده فساد بسیار است. وقتی برای تک تک افراد چنین بود، درجه فساد برای جمع بالاتر است. راهکارهایی مانند سلف موازی و ضمایم آن در عمل ما را به دام همان مفاسد می‌اندازد. شارع حکیم به نیازهای ما آگاهی کامل داشت و احکام را وضع فرمود.

ب) گاهی در یک قضیه شخصی فردی این معاملات را بدون ارتباط با یکدیگر و بر حسب ضرورت منعقد می‌کند فاقد پیامد است؛ اما اگر آن را در قالب یک راهکار استاندارد شده مرکب، تنظیم کنیم، در دام همان مفسده می‌افتیم. نتیجه طراحی یادشده این است که همان مبیع در سلف اول به شخص سوم فروخته می‌شود. عرف مجموع را همان فروش مبیع قبل از سررسید می‌داند. در یک جمع‌بندی می‌توان راه پیشنهادی را مصداق حیلۀ غیر مجاز دانست.

ب) علاوه بر این شبهه صوری بودن بسیار جدی است. این محقق در مورد جعاله بانکی هم قبلاً جعاله موازی را مطرح نمود. در جعاله بانکی، بانک موظف است عمل تعیین شده در قرارداد را انجام دهد (بانک عامل است)؛ اما چون بانک اهل کار نبوده، صرفاً دنبال سود است، در قرارداد جعاله دیگری همان کار را به خود جاعل واگذار می‌کند. نتیجه اینکه سود قرارداد جعاله ثابت می‌شود. در اجاره هم وقتی بانک یک دارایی را اجاره می‌کند، بر اساس حکم فقهی نمی‌تواند بدون انجام کار مفید، آن را به مبلغ بیشتر اجاره دهد. در اینجا هم اجاره موازی (در: <https://b2n.ir/t34403>) به عنوان حلال مشکل مطرح می‌شود. نتیجه اینکه بانک دقیقاً سود ثابت را در نظر می‌گیرد، تسهیلات را به حساب مشتری واریز می‌کند و همه موارد را با وکالت به مشتری واگذار می‌نماید. طبیعی است مشتری هم در غالب موارد پول دریافتی را در امور دیگر مصرف کرده، سپس اصل و فرع را به بانک برمی‌گرداند (موسویان، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۶۱۹). طبیعی است سؤال شود در این صورت تفاوت این نوع بانک با بانک ربوی چیست؟

مربحه بانکی به عنوان راه حل برای بیشتر تسهیلات بانکی

محقق ارجمند (موسویان) در آثار متعدد راه‌ها و شیوه‌های استفاده از تمامی عقود و ابزارها برای عملیات بانکی را تشریح کرده است؛ اما با معرفی مرابعه بانکی و انجام تحقیقات در سال‌های مختلف، مرابعه را به گونه‌ای مطرح نمود که می‌تواند محور عملیات بانکی قرار گیرد؛ به گونه‌ای که به جز اجاره، امکان انجام تقریباً همه عملیات بانکی با استفاده از مدل‌های پیشنهادی ایشان وجود دارد. در این صورت به عمده ابزارهای مبادله‌ای و مشارکتی یادشده هیچ نیازی نیست. ایشان گفته است: «بسیاری از بانک‌ها امروزه معاملات صوری را از طریق مرابعه به صفر رسانده‌اند» (در: <https://b2n.ir/q85146/1397>).

مدل عملیاتی موسویان

موسویان مرابعه وکالتی در مورد فروش اقساطی و کارت اعتباری مرابعه را در قالب دو مدل ارائه داده است: «می‌دانیم ماهیت فروش اقساطی و مرابعه یکی است. در فروش اقساطی وکالتی خود مشتری خرید می‌کند و قبل از خرید قیمت به وی اعلام می‌شود»:

۱- دو وکالت: در وکالت اول مشتری کالا یا خدمت را به وکالت از طرف بانک خریداری می‌کند. مشتری به اقتضای وکالت دوم کالا یا خدمت را از طرف بانک به خودش می‌فروشد (در: <https://b2n.ir/x276156n.ir>). نص عبارت به این صورت است: «وکالتی کامل: در این قسم از فروش اقساطی، خریدار وکیل می‌شود تا کالا یا مواد اولیه یا خدمات را برای بانک خریداری کند و در همان لحظه، وکیل است تا از طرف بانک، این کالا یا خدمات را به خودش بفروشد». البته خود پیشنهاددهندگان به صوری شدن این صورت اعتراف کرده‌اند. «در این مورد ممکن است افرادی با فاکتور صوری، اقدام به تخلف از مسیر قانونی تعیین شده در متن قرارداد بکنند؛ برای مثال با وام خرید کالای ایرانی، منزل، طلا یا هر خدمات دیگری را خریداری می‌کند، اما فاکتوری صوری به بانک ارائه می‌دهد» (در: <https://b2n.ir/x276156n.ir>)^۱.

۱. تفصیل مباحث فقهی مرابعه بانکی و چالش‌های مربوطه در این مقاله آمده است: معصومی‌نیا، مقاله «مربحه در فقه و مرابعه بانکی»؛ در کتاب تأملاتی در بانکداری و بازار سرمایه، ج ۲ (نقد طرح بانکداری مجلس شورای اسلامی)، تهران: بنیاد فرهنگ و اندیشه انقلاب اسلامی، اردیبهشت ۱۴۰۰، ص ۱۳۳-۱۸۶.

۲- یک وکالت: در این صورت «در این نوع تسهیلات، بانک اصلاً کاری ندارد که شما چه کالا یا خدماتی را خریداری می‌کنید، بلکه برای مثال یک عابربانک ۴۰ میلیون تومانی در اختیار شما قرار می‌دهد که شما با این عابربانک هرچقدر خرید کنید، به صورت اتوماتیک، بانک آن را به صورت نسیه به شما می‌فروشد و در همان لحظه، لیست خریدهایتان که به وکالت از بانک خریداری کرده‌اید و لیست قیمت‌هایی که بانک آن کالا یا خدمات را به صورت نسیه به شما فروخته است، در دسترس شما قرار می‌گیرد و می‌توانید از آن اطلاع بیابید» (در: <https://b.v76156n.ir/x2>).

ملاحظه: با مطالعه روایات زیادی که در باب مرابحه از حضرات معصومان علیهم‌السلام صادر شده آشکار می‌شود که هر دو صورت پیشنهادی با شرایط معتبر در روایات سازگار نیست. تنها یک روایت به عنوان نمونه ذکر می‌شود:

معاویة بن عمار می‌گوید: «به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم شخصی نزد من می‌آید درخواست می‌کند به او حریر بفروشم و من ندارم. با هم در مورد اصل معامله، سود و مدت قرار می‌گذاریم. سپس من حریر را برای او خریداری می‌کنم و او را برای معامله صدا می‌زنم. امام علیه‌السلام فرمودند اگر [بعد از قراردادی که با او گذاشتی] موردی مناسب‌تر از آنچه نزد توست، پیدا کرد، آیا می‌تواند منصرف شده و تو را با کالایت واگذارد یا در مقابل اگر تو خریدار مناسب‌تری یافتی، از او منصرف شده و او را به حال خوش رها کنی؟ گفتم: بله، فرمود: اشکال ندارد.^۱ در مورد سؤال خود صاحب پول حریر را خریداری می‌کند و واقعاً به متقاضی می‌فروشد، با این حال در صحت این معامله شک دارد و از امام علیه‌السلام سؤال می‌کند. علامه حلی مرابحه‌ای را که در آن، سود به صورت درصدی تعیین شود، شبیه به ربا دانسته است (علامه الحلی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۳۸۸). بنابراین دو صورت پیشنهادی با روایات سازگار نیست

۱ عن معاویة بن عمار قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام يجيئني الرجل يطلب بيع الحرير وليس عندي منه شيء فيقولني عليه و أقاوله في الربح و الأجل حتى نجمع على شيء. ثم أذهب فاشترى له الحرير فأدعوه إليه فقال: رأيت إن وجد بيعاً هو أحب إليه مما عندك، أيستطيع أن ينصرف إليه و يدعك أو وجدت أنت ذلك أتعطيه أن تنصرف إليه و تدعه؟ قلت: نعم. قال: فلا بأس (الحر العاملي، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص ۴۸، ح ۷، باب ۸ از ابواب احكام العقود).

و نسبتی هم که طرفداران مباحه بانکی به فقهای شیعه می‌دهند و آنان را از آغاز موافق مباحه بانکی جلوه می‌دهند، از اساس اشتباه است.

تحلیل مباحه بانکی

بانک کارت اعتباری در قالب مباحه را به مشتری می‌دهد و سپس اصل و فرع آن را به صورت درصدی از مشتری می‌گیرد. بانک کاری ندارد مشتری با آن پول چه می‌کند، بلکه یک فرم مباحه جلوی مشتری می‌گذارد و از او امضا می‌گیرد. بیشتر مراجعه‌کنندگان هم از مفاد آن خبر ندارند. در صورتی که قصد اجمالی مشتری کافی بدانیم، اگر نگوئیم بیشتر، می‌توان گفت بسیاری از مردم برای امور دیگری نیازمند پول نقدند و هنگام مراجعه هم نیاز خود را بیان می‌کنند. بسیاری از آنها برای ادای دین، به اصطلاح مردم رهن خانه و... نیاز به تسهیلات دارند. این شد راه واقعی شدن عملیات بانکی؟ محقق ما برخی از آسیب‌های نظام بانکی را این گونه شمارش کرد: صوری بودن برخی فعالیت‌ها، ضعف در درک صحیح عقود اسلامی، ضعف در نظارت شرعی بودن عملیات بانکی، عدم توزیع مناسب عقود بانکی متناسب با الگوی کسب و کار بانک‌ها و... (موسویان و میثمی، ۱۳۹۴، ص ۶۱۸) با محوریت مباحه بانکی به نحو یادشده این مشکلات حل می‌شود؟ به گفته مرحوم موسویان قرارداد مباحه به تنهایی می‌تواند ۸۰ درصد از نیازهای صنعت بانکداری را پوشش دهد (در: <https://b2n.ir/x73454>). می‌دانیم در بیش از سه دهه گذشته فروش اقساطی از مهم‌ترین قالب‌های اعطای تسهیلات بانکی بود که برای واقعی شدن آن و سایر عقود ضوابط متعددی وضع شده بود. با این وجود خود مرحوم موسویان صوری بودن قراردادها را از «چالش‌های بسیار جدی» شمرده است (موسوی و میثمی، ۱۳۹۴، ص ۶۱۹). حال چگونه با مباحه بانکی که در آن هر گونه قرارداد و نظارت رأساً منتفی است، این مشکلات حل می‌شود؟ جالب اینکه جناب موسویان (۱۳۹۶) به صراحت گفته است: «بنده در اینجا اعلام می‌کنم معتقدم بانک بدون ربا باید در خدمت بخش حقیقی اقتصاد باشد و اگر بانکی در خدمت اقتصاد نباشد، در ازای تسهیلاتی که می‌دهد، کالا خرید و فروش نشده یا تولید به جریان نیفتد، آن بانک، بانک ربوی است... اگر [در مباحه بانکی] آن پول منجر به خرید کالا نشود، قطعاً اشکال شرعی دارد و مصداق ریاست» (در: <https://b2n.ir/p63254>).

معلوم است با این قالب، بانک دقیقاً شبیه بانک‌های ربوی تسهیلات را به متقاضی اعطا می‌کند و بر اساس «مبلغ - مدت - نرخ» دریافت می‌نماید. جناب موسویان در مقاله «آسیب‌شناسی و نقد وضعیت بانکداری ایران از منظر عدالت اقتصادی» (۱۳۹۸) به این نتیجه رسیده است «وضعیت عدالت سیستم بانکداری کشور از منظر شاخص‌های توازن اجتماعی، فقرزدایی و استیفای حقوق طرفین رو به بهبود نبوده و روند آنها رو به پسرفت نیز بوده است» (موسویان، مهربان‌پور و حشمتی، ۱۳۹۸، ص ۱۲۱-۱۵۰).

حال با اساس دادن مرابحه و کالتی فقرزدایی می‌شود؟ توازن اجتماعی برقرار می‌شود؟ و... قبلاً تسهیلات را بر اساس قراردادهای مشروع می‌گرفتند و چون پول دریافتی را برای مقاصد دیگر می‌خواستند قرارداد صورتی می‌شد، بانک هم می‌دانست، در مرابحه بانکی بدتر است. حاصل اینکه محوریت مرابحه به نحو یادشده علاوه بر مشکلات فقهی با معیارهای اقتصادی هم سازگاری ندارد. وقتی عمده اعتبارات بانکی بدون برنامه‌ریزی و صرفاً در قالب کارت مرابحه به مردم داده می‌شود و آنها با آن هر کار صلاح بدانند، انجام دهند، کدام اقدام هدفدار اقتصادی انجام می‌شود؟ جالب اینکه در سال‌های اخیر که این قالب مطرح شده، به مذاق بانک‌ها خوش آمده و عمده تسهیلات را در این قالب اعطا می‌کنند. وضعیت کنونی مطلوب است؟ محور قراردادن مرابحه در بانک راهی بود که در برخی کشورهای مسلمان شروع شد و بعد از مدتی شبه‌ربوی بودن آن آشکار گردید، ما تازه این راه را در پیش گرفته‌ایم.

دکتر رفیقی یونس المصری مرابحه‌ای را که همراه با حیله شده است، بدتر از ربا می‌داند؛ چراکه همراه با استهزا می‌باشد. از قول برخی اندیشمندان چنین نقل می‌کند: «ریک ترول شولتز می‌گوید همان گونه که از گزارش سالانه سال ۱۹۸۵ میلادی معلوم می‌شود، تجربه عملی بانک جهانی اسلامی دانمارک در سایه اهداف دوگانه‌اش ثابت کرده است که هر بانک دانمارکی می‌تواند عملیات خود را بر اساس شریعت اسلامی به صورت کامل تنظیم نماید». سامی حمود می‌گوید: «... بانک‌های اجنبی توانسته‌اند صدها میلیون از اموال سرمایه‌گذاران اسلامی را در قالب مرابحه جذب خود نمایند» و دکتر مندر قحف می‌گوید: برخی از بانکداران

غربی که در سمینار لندن ۱۰/۳۱-۱۹۸۵/۱۱/۱ میلادی شرکت کرده‌اند، اعلام کرده‌اند در بیع مرابحه هیچ اختلافی با تأمین مالی ربوی مگر از حیث شکل وجود ندارد»^۱.

۴- جایگزینی مشارکت و مرابحه وکالتی به جای خرید اعتباری سهام رایج: در خرید اعتباری سهام به شکل رایج کارگزار در یک قرارداد دوجانبه اعتبار لازم مشتریان خود را از طریق منابع بانکی تأمین می‌کند و از هنگام استفاده مشتری از آن اعتبار سود آن را دریافت می‌نماید. روشن است که این امر مصداق ربای محرم می‌باشد.

در راهکار پیشنهادی، بانک اعتباری را در قالب مشارکت مدنی در اختیار کارگزار قرار می‌دهد و کارگزار هم با استفاده از منابع بانکی، سهام را نقد خریده و به صورت مرابحه مدت‌دار در اختیار متقاضی سهام می‌گذارد و در سررسید اقساط آن را دریافت می‌کند. کارگزار هم به تناسب اعتبار استفاده‌شده و زمان، اصل و سود مشارکت را به بانک می‌پردازد (موسویان، فدایی واحد و علی حسینی، ۱۳۹۲، ش ۴۹).

بازار بین بانکی

ریسک نقدینگی به عنوان یکی از مهم‌ترین مخاطرات نظام بانکی است که با توجه به ارتباط نزدیک مرحوم موسویان به بانک‌ها به تبع از دغدغه‌های علمی ایشان نیز می‌باشد. ابزارهای بازار بین‌بانکی مبتنی بر قرض ربوی و فاقد مشروعیت است؛ از این رو به فکر طراحی ابزارهای جایگزین اسلامی برای سامان‌دهی به بازار بین‌بانکی افتادند (موسویان و میثمی، ۱۳۹۴، ص ۵۱۷) دارد. البته در ایران دستورالعمل اجرایی تشکیل بازار بین‌بانکی از سال ۱۳۸۳ از سوی بانک مرکزی ابلاغ شده و از سال ۱۳۸۷ فعالیت رسمی خود را آغاز کرده است. روش‌هایی که بدین منظور از طرف ایشان پیشنهاد گردیده، عبارت است:

الف) سپرده سرمایه‌گذاری: در این روش بانک‌ها نزد یکدیگر سپرده‌گذاری یک‌شبه، یک‌هفته‌ای، یک‌ماهه، دو‌ماهه، شش‌ماهه، نه‌ماهه و حای یک‌ساله می‌کنند؛ یعنی بانک وجوه

۱. و ربما وصل الأمر إلى ما هو أسوأ من الربا، وذلك في حالات الربا الحرام عن طريق الحيل، فالحيلة لا تحل الربا بل تزيد حرمة، ففي الحيلة معنى الاستهزاء والسخرية، نعوذ بالله (رفیق یونس مصری، بیع المرابحة للأمر بالشراء في المصارف الإسلامية، در:

سپردگزاران (موکلان خود را) در اختیار بانک نیازمند بر اساس عقد وکالت ثانویه یا توکیلی قرار می‌دهد. نرخ سود علی‌الحساب سپرده‌ها طبق توافق بین بانک‌ها تعیین شده و مابه‌التفاوت سود قطعی و علی‌الحساب پس از پایان سال مالی تسویه می‌گردد (موسویان و الهی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۹).

ملاحظه

با توجه به اینکه بازار بین‌بانکی یک بازار بسیار کوتاه‌مدت و بیشتر به صورت شبانه بوده سودی که دریافت می‌گردد، شبهه ربوی می‌یابد؛ زیرا وکالت در سرمایه‌گذاری آن هم یک‌شبه ماهیت صوری می‌یابد.

ب) خرید و فروش دین: در این روش بانکی که با مشکل کمبود نقدینگی روبه‌روست، مجموعه‌ای از چک‌ها و سفته‌هایی را که از مشتریان طلب دارد، به صورت یکجا در بازار بین‌بانکی به مبلغ کمتر به بانک دیگری که دارای مازاد است، در قالب فروش دین می‌فروشد. در ادامه پس از رفع مشکل نقدینگی بانک با مراجعه به بانکی که چک‌ها و سفته‌ها را خریده است، بازخرید می‌کند. مابه‌التفاوت این دو عملیات رفت و برگشتی چک‌ها و سفته‌ها سودی است که به بانکی که تأمین نقدینگی کرده، اختصاص یافته است (موسویان و میثمی، ۱۳۹۴، ص ۵۳۷).

ملاحظه

این راهکار نیز به صورت صوری انجام می‌شود؛ زیرا همان گونه که تأکید شد، بیشتر تراکنش‌های بازار بین‌بانکی شبانه یا حداکثر یک‌روزه است؛ حتی بانک متقاضی اسناد تجاری را به بانک دیگر تحویل هم نمی‌دهد؛ لذا اولاً در بازار بین‌بانکی هیچ امر واقعی انتقال نیافته و تنها اتفاق واقعی انتقال نقدینگی مورد نیاز طبق سود بازار بین‌بانکی از بانکی با بانک دیگر در نوبت اول و بازپرداخت اصل و سود آن در نوبت بعدی توسط بانک دریافت‌کننده است و خرید و فروش دین در اصل ماهیت صوری می‌یابد و سود این عملیات شبهه ربا می‌یابد. به علاوه این راهکار از نظر غیر مشهور فقهای امامیه و فقهای عامه مردود بوده و مشهور فقهای مذهب امامیه نیز در اصل و شرایط خرید دین اختلاف نظر دارند.

ج) **مرابحه موازی:** یکی از راهکارهای ساده برای مدیریت نقدینگی در بانکداری اسلامی استفاده از قرارداد مرابحه موازی است. فرض کنید: بانک اول برای اعطای تسهیلات مرابحه (فروش نسبه)، با کمبود نقدینگی مواجه است؛ اما همزمان بانک دوم مازاد نقدینگی دارد. در این فرض، بانک اول سراغ بانک دوم می‌رود. بانک دوم کالای مورد نظر مشتری بانک اول را خریداری می‌کند و با سود مشخصی، به صورت کوتاه‌مدت، به بانک اول می‌فروشد. بانک اول نیز با سود دیگری، به صورت نسبه بلندمدت، به مشتری خود می‌فروشد. این روش که از دو قرارداد مرابحه تشکیل می‌گردد، می‌تواند ابزار مدیریت نقدینگی به حساب آید (موسویان و کاوند، ۱۳۸۹، ص ۵۰-۵۱).

ملاحظه

وقتی خود مرابحه مستقیم دچار مشکل صوری‌سازی و سایر مشکلات متعدد است، وضعیت این گونه مرابحه روشن‌تر است. در فرض یادشده کدام بانک اقدام به خرید کالا و فروش به بانک دوم و... می‌کند؟ وقتی در مورد مرابحه اول گفتند پس از خرید کالا توسط مشتری، بانک آن را به صورت خودکار به مشتری می‌فروشد و آن همه مشکل وجود داشت، مرابحه موازی با مشکل بیشتری مواجه خواهد بود.

د) **مشارکت متقابل:** در این روش بانک اول از بانک دوم طلب تسهیلات برای تأمین نقدینگی می‌کند، به شرطی که بانک دوم نیز در آینده به همان میزان موظف به پرداخت تسهیلات به بانک دوم باشد (موسویان و کاوند، ۱۳۸۹، ص ۵۰).

ه) دو ابزار رایج در بازار بین بانکی ریپو (repo یا RP) و ریپو معکوس (Reverse Repo یا RRP) است. ابزار ریپو که از آن به توافق‌نامه بازخرید یاد شده است، ابزاری است که در آن بانک برای تأمین نقدینگی کوتاه‌مدت، اوراق بهادار تحت تملک خود را در بازار بین بانکی به بانک دیگر فروخته، سپس تعهد به بازخرید به مبلغ بیشتر آن می‌کند. در اصل ریپو ابزار کوتاه‌مدت (غالباً یک‌شبه تا ۴۸ ساعت) روی اوراق بهادار بوده که مرکب از دو قرارداد است؛ قرارداد اول به کمتر از قیمت اوراق با کسر نرخ بهره شبانه قرارداد دوم به اندازه قیمت روزانه اوراق است. در صورتی که بانک فروشنده نتواند اوراق بهادار خود را بازخرید کند، اوراق در بازار فروخته می‌شود.

موسویان در ابتدا بیان می‌کند که قرارداد ریپو از ماهیت قرارداد از قرض با بهره خارج شده است و تنها مشکل بیع العینه یا بیع الخیار دارد؛ سپس احتمال بیع العینه بودن را نیز نفی می‌کند؛ به این دلیل که «در بیع العینه در بیع اول شرط می‌شود که در همان مجلس عقد قرارداد دوم منعقد شود و مبیع جز برای لحظه‌ای از مالکیت فروشنده خارج نمی‌شود و چنان‌که فروشنده به شرط عمل نکند، خریدار معامله اول را فسخ می‌کند؛ در حالی که در ریپو قرارداد دوم با فاصله زمانی قابل ملاحظه که ممکن است یک روز تا سه ماه طول بکشد، انجام می‌گیرد و اگر فروشنده به شرط خود عمل نکند، معامله اول تثبیت می‌شود». (موسویان و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۰۲). این محقق در ادامه «فروش همراه با حق اختیار خرید و فروش» را برای رفع مشکل پیشنهاد کرده است. دلیل وی بر جواز در این صورت این است که شرط اختیار خرید الزام شرط خرید را ندارد (همان، ص ۱۰۵).

ملاحظه

اولاً یکی از دلایل تحریم بیع العینه در فقه شبهه ربوی بودن آن است که حتی نویسندگان هم بدان اشاره کرده‌اند (همان، صص ۹۹ و ۱۰۱). در مورد ریپو بین بانک‌ها هم شبهه ربوی بودن قوی است. اما اینکه در بیع العینه ممنوع همواره مبیع جز برای یک لحظه از مالکیت فروشنده خارج نمی‌شود، درست نیست. از برخی نصوص وارده به‌خوبی استفاده می‌شود حتی اگر بین دو معامله فاصله هم وجود داشته باشد، غیر مشروع است؛ برای نمونه به روایت یونس شیبانی که خود این محقق به آن تمسک جست، توجه کنیم. شیبانی می‌گوید: «به امام صادق علیه السلام عرض کردم مردی چیزی را می‌فروشد، در حالی که او و مشتری می‌دانند آن مقدار نمی‌ارزد؛ اما خریدار می‌داند که فروشنده به‌زودی مراجعه نموده و از او خریداری خواهد نمود. امام علیه السلام فرمود: رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به جابر بن عبد الله فرمود چگونه خواهی بود هنگامی که ظلم آشکار شود و به دنبال آن ذلت بیاید؟ جابر عرض کرد: کاش تا آن زمان زنده نباشم، آن زمان چگونه زمانی است پدر و مادرم به فدایت؟ فرمود زمانی است که ربا آشکار می‌شود. بعد حضرت صادق علیه السلام فرمود ای یونس، این رباست. آیا اگر آن را نخری

به تو بر می‌گرداند؟ عرض کردم بله. آن حضرت فرمود پس حتماً نزدیک آن نشو، حتماً نزدیک آن نشو»^۱.

مورد سؤال فاصله بین دو معامله است. شأن صدور روایت حسین بن منذر هم شبیه این است. بنابراین در صور ممنوع بودن بیع العینه فاصله بین دو معامله دخالت ندارد. امر دیگری که شبیه ربوی بودن را در مورد قراردادهای ریپو تقویت می‌کند، این است که شرط می‌کنند اگر اوراق بهادار ارزش خود را از دست بدهد یا کاهش یابد، بانک خریدار می‌تواند بانک فروشنده را ملزم به تأمین حساب حاشیه‌ای کند که اختلاف قیمت ایجادشده را جبران نماید. علاوه بر این در صورت‌های مالی و ترازنامه بانک‌ها، ریپوها به طور کلی در ستون بدهی یا کسری، به عنوان وام گزارش می‌شوند. متخصصان مالی از قبیل لارک، فمینگ، تیلور و... تصریح کرده‌اند در قرارداد ریپو شرط می‌شود که بازخرید اوراق در ریپوی معکوس به قیمتی بالاتر از قیمت خرید اولیه صورت گیرد (همان، ص ۸۶). مشاهده می‌کنیم بازخرید مسلم است و علاوه بر آن قیمت در قرارداد اول در سطحی بالاتر از قیمت اول تعیین می‌شود. راه حل پیشنهادی موسویان «فروش همراه با حق اختیار خرید و فروش» هم مشکل را حل نمی‌کند؛ زیرا گرچه یک طرف اختیار دارد، طرف مقابل اجبار دارد در صورت اعمال اختیار به خواست او عمل نماید.

حیله‌های شرعی

حیله به معنای توصل جستن به اسباب دارای آثار شرعی برای اسقاط چیزی است (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶ق، ص ۴۰۴) و به منظور تغییر حکم شرعی صورت می‌پذیرد و به دو نوع مجاز و غیر مجاز (باطل یا حرام) تقسیم می‌شود.

۱. عن یونس الشیبانی قال: قلت لأبی‌عبدالله عليه السلام: الرجل يبيع البيع والبائع يعلم أنه لايسوی والمشتري يعلم أنه لا يسوی إلا أنه يعلم أنه سيرجع فيه فيشتره منه. قال: فقال يا يونس ان رسول الله صلى الله عليه وآله قال لجابر بن عبدالله كيف أنت إذا ظهر الجور وأورثهم الذل. قال: فقال له جابر لا بقیت إلى ذلك الزمان و متى يكون ذلك بأبی أنت وأمی؟ قال إذا ظهر الربا. يا يونس وهذا الربا فإن لم تشتره رده عليك؟ قال قلت نعم. قال. فلا تقربنه فلا تقربنه (الحر العاملي، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص ۴۲).

فقهایی چون محقق اردبیلی، علامه حلی، نجفی (صاحب جواهر) و امام خمینی علیه السلام حیل را مجاز نمی‌دانند و معتقدند در بیشتر موارد نسبت جواز حیل به معصومان علیهم السلام، و هن به مقام ایشان است (امام خمینی، ۱۳۷۹، ص ۵۵۱). این فقها «نعم الفرار من الحرام الی الحلال» را به باب ضرورت حمل می‌کنند. فقهایی هم که معتقد به جواز حیله‌اند، اتفاق نظر دارند که در صورت نبود سه شرط قصد جدی برای معامله، عقلایی نبودن و مشهود بودن محتوا و فلسفه حرمت در آن، حیله ربا ممنوع می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ق، ص ۱۰۹). به عبارت دیگر «احکام شرعی، اعم از تکلیفی و وضعی، ظاهری و واقعی، مبتنی بر مصالح و مفاسد بشری است؛ یعنی غرض شارع مقدس از تشریح احکام این بوده است که مصالح دنیوی و اخروی بشر را تأمین کرده و او را از مفاسد دنیوی و اخروی مصون بدارد» (ربانی گلپایگانی، ۱۳۹۲، ص ۳۸). این امر در مورد معاملات، به‌ویژه ربا روشن است. آیات و روایات عللی چون ستم، تعطیل احسان و تجارات را به عنوان فلسفه تحریم ربا ذکر کرده‌اند که اگر نگوییم این موارد علت حکم باشد، دست کم حکمت حرمت ریاست و به دلیل سختی حکم ربا و مصداق جنگ با خدا بودن آن باید در موارد عرفی آن نیز دقت کرد و جهت منع از یک قرارداد، شبهه ربا کافی است. بر این اساس امام خمینی علیه السلام استدلال می‌کند:

ربا با وجود تعابیر شدیدی که در مورد آن در قرآن و سنت از طریق اهل سنت و شیعه وارد شده است و چنین تعابیر تنیدی در مورد سایر گناهان خیلی کم است و با وجود مفاسد اقتصادی و اجتماعی و سیاسی که اقتصاددانان برای آن ذکر کرده‌اند، چگونه حلال نمودن آن با حیله‌های شرعی ممکن است؟ و روایات حیل عویصه و بلکه عقده‌ای در قلب بسیاری از متفکران بوده و حتی غیر مسلمانان نیز حق دارند از ناحیه آن به اسلام اشکال کنند. این مشکل را باید حل کنیم. حتی اگر کسی بگوید باید این روایات را تعبداً بپذیریم، نادرست است؛ زیرا در اینجا عقل مفاسد حیل را درک می‌کند... هم سند این روایات قابل خدشه است و هم دلالت آنها که یا باید تأویل کنیم یا علمش را به صاحبش ارجاع دهیم؛ لذا حیله‌های ربا موضوع را از ظلم و فساد و تعطیلی تجارت‌ها و سایر اموری که در کتاب و سنت آمده، خارج نمی‌کند (امام الخمینی، ۱۳۷۹، صص ۵۴۱ و ۵۴۴).

بر اساس این مبنا تمامی فعالیت‌های مالی که فلسفه ربا در آن باشد، ممنوع است (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳ق، ص ۲۰۲) و در استفاده از حيله، بايد يقين به عدم وجود تنافی با فلسفه تحریم ربا داشته باشیم. در مقام اجرا نیز در بسیاری موارد، راهکارهای حيله‌محور به دلیل سخت و هزینه‌بر بودن، موفق نبوده و صوری اجرا گردید.

دو نوع حيله در راهکارهای یادشده

گفته شد که مرحوم موسویان در سال ۱۳۸۰ عقیده داشت «تنها راه رهایی از مفسد ربا براندازی نظام بهره و مشارکت‌دادن صاحب سرمایه و بانک در طرح‌های اقتصادی و گرفتن سودی مناسب با کارکرد بنگاه است»؛ ولی به تدریج رویکرد ایشان تغییر نمود. در رویکرد جدید، پیدا کردن راه حل از هر طریق ممکن برای مسائل مطرح در بانک و بورس اصالت پیدا نمود. برای عمده مشکلات بانک‌ها مانند معوقات، ریسک نقدینگی، ریپو و... راه حل‌های متعدد پیشنهاد شد: برای ابزارهای ربوی اوراق قرضه، فروش استقراضی و خرید اعتباری جایگزین‌های متعدد پیشنهاد شد و مسائل متعدد دیگر. قسمت عمده راه حل‌ها مصداق حيله غیرمشروع است.^۱ دو نوع حيله در راهکارهای ایشان هست:

نوع اول، حيله‌های ربا: راهکارهای جایگزین خرید اعتباری سهام، فروش استقراضی سهام، مرابحه بانکی، ابزارهای بین بانکی (موسویان و دیگران، ۱۳۹۴، ش ۶۰) و مانند اینها مصداق حيله‌های ربا هستند؛ برای نمونه بعد از پیگیری در بازار سرمایه معلوم شد فرم‌هایی که مبنای قرارداد بود، کاملاً صوری امضا می‌شد و معاملات در سال‌های اخیر کاملاً ربوی انجام می‌شده است. کدام کارگزاری و کدام مشتری واقعاً قصد مشارکت و مرابحه دارد؟ کار به جایی رسید که خود جناب موسویان که طراح بود گفت: «بعد از مدتی معلوم شد که متأسفانه برخی از بانک‌ها و کارگزاری‌ها از این شیوه شرعی و مصوب عدول کرده و تقریباً از همان شیوه‌ای که در بازارهای مالی غربی رایج است، برای خرید اعتباری سهام استفاده می‌کنند» (در: <https://b2n.ir/x01141>). وضعیت جایگزین فروش استقراضی اگر بدتر نباشد، بهتر نیست. در فصل نوزدهم کتاب **بانکداری اسلامی** در سال ۱۳۹۴ آورده است: «وجود برخی چالش‌ها، مشکلات و عدم انطباق‌های شرعی در فعالیت بانک‌ها و مؤسسات مالی کشور تا حدودی به

^۱. بیان تفصیلی مصداق حيله بودن، نیاز به تحقیق مستقلی دارد. اینجا علی‌المبني بحث می‌شود.

همگرایی و مشابهت نظام بانکداری بدون ربا در ایران با نظام بانکداری ربوی منجر گردیده است» (موسویان و میثمی، ۱۳۹۴، ص ۶۱۸).

نوع دوم: سایر حیل: برخی راهکارهای جایگزین را «ابزارهای تمدن‌ساز» می‌خوانند: «ابزارهای مالی اسلامی طی چندین سال توسط ارکان بازار سرمایه راه‌اندازی شده و به رونق رسیده و جزو ابزارهای تمدن‌ساز قرار گرفته است. حال امروز شاهد آغاز به کار یکی از جدیدترین این ابزار یعنی فروش تعهدی هستیم» (در: <https://b2n.ir/q10876>). به نظر ما در مواردی مانند سلف موازی، اجاره موازی^۱ و... به‌ویژه چون استاندارد می‌شود، موجب تفویت مصلحت ملزومه و ارتکاب مفسده ملزومه می‌شویم. شارع مقدس در مورد نیازهای ما آگاهی کامل داشته و این احکام را وضع فرموده است. براینده مجموع سلف، سلف موازی، حواله، اختیار خرید و اختیار فروش و مانند اینها بی‌اثر شدن حکم شریعت است. آیا می‌توان ساختار نظام مالی اسلام و بازار سرمایه اسلامی را بر پایه حیل‌ها که اغلب از قراردادهای پیچیده و غیر قابل هضم برای عرف است، بنا نهاد؟ مسلماً جواب این سؤال منفی است؛ زیرا هرچند حیل یک راهکار فردی و فرعی برای نجات مکلف از ابتلا به حرام است، با توجه به ادعای تمدن‌سازی دین اسلام در همه عرصه‌های اجتماعی، حیل نمی‌تواند مبنا و اصل برای طراحی نظام مالی و به تبع الگوهای برآمده از فقه اسلامی باشد.

خلاصه و نتیجه‌گیری

مرحوم موسویان زحمات زیادی کشید که بانکداری، بازار سرمایه و بیمه را با ارزش‌های اسلامی تنظیم کند. زحمات همه مشکور است؛ اما زمان آن است که یک بازنگری و آسیب‌شناسی جدی صورت گیرد. در تحقیقات انجام‌شده عناصر ارزشمندی وجود دارد؛ اما از ایرادهای زیر مبرا نیست:

۱. در آثار اولیه حساسیت‌های زیادی به استفاده از تمامی عقود و زدودن حقیقت ربا از نظام مالی مشاهده می‌شود؛ اما به تدریج نوعی تغییر رویکرد اتفاق افتاد. علت این

^۱. مثلاً بانک یک دارایی را اجاره می‌کند و چون اجاره‌دادن به مبلغ بالاتر بدون انجام‌دادن کار مفید جایز نیست، به صورت کلی در قالب قرارداد اجاره دیگری به مبلغ بالاتر اجاره می‌دهد و در مقام تحویل همان مورد را تحویل می‌دهد.

امر هم اهتمام به حل تمامی مشکلات نهادهای بانک و بورس می‌باشد. در رویکرد جدید به تدریج مراتب بانکی محوریت پیدا کرد؛ این در حالی است که در حال حاضر بانک‌ها در همین قالب عمده تسهیلات خود را اعطا می‌کنند و این همه مشکلات وجود دارد. مراتب بانکی پوششی شده برای گسترش حقیقت ربا در نظام بانکی. سه ضلع این دیدگاه انفعال فقهی، استفاده از عقود با بازدهی ثابت و حيله محوری را تشکیل می‌دهد. اصلی‌ترین آسیب این است که عمده تحقیقات با حفظ چارچوب موجود بانک، بورس و بیمه انجام شده است. این شبیه آن است که بهترین غذا در ظرفی آلوده ریخته شود.

۲. جناب موسویان مسیر مالی اسلامی رایج را با غلظت بیشتر پیمود با این تفاوت که خیلی از راه‌حل‌هایی که ارائه داد ارتباطش با بخش واقعی اقتصاد کمتر از راه‌های دیگران است؛ برای مثال:

- فروش تعهدی ارتباطی با بخش واقعی ندارد و صرفاً به بورس بازی دامن می‌زند.
- بخش عمده - اگر نگوییم همه - موارد خرید اعتباری هم صرف بورس‌بازی می‌شود.
- سلف موازی و... نیز صرفاً مربوط به بازار ثانوی است.

ویژگی دیگر اینکه اصرار وی بر تصحیح یا جایگزین از هر طریق ممکن بیشتر است.

۳. اگر یک نگاه از بالا داشته باشیم، قسمت زیادی از راه‌های ارائه شده توجیه یک مدل از سرمایه‌داری آن هم سرمایه‌داری مالی از نوع بد آن می‌باشد که خود غربی‌ها هم آثار بد آن را دریافته و به دنبال تغییرند. یک مثال آن تغییر به اوراق بهادار کردن بدهی‌هاست که مرحوم موسویان تلاش زیادی برای تصحیح آن نمودند؛ اما در بازارهای رایج برای آن محدودیت‌های زیادی گذاشتند.

۴. باید تلاش کنیم برای رفع نیازهای اقتصاد مدل‌های مناسب ارائه دهیم؛ اما ملاک در تشخیص نیاز واقعی از غیر واقعی، احکام شرع است. اگر نیازی مطرح شد و دیدیم با احکام شریعت منافات دارد، معلوم می‌شود یا نیاز واقعی نبوده یا راهی که انتخاب کرده‌ایم، دچار مشکل است. فقه ظرفیت این امر را دارد و می‌توان گفت عمده

ظرفیت آن بالفعل نشده است. بنابراین نباید در این مسیر احکام الهی را ابزار رسیدن به ضرورت‌هایی که ریشه در ساختار بازار مالی نظام سرمایه‌داری دارد، قرار دهیم. نباید از راه ممکن مانند شروط ضمن عقد، قراردادهای موازی، صلح و مانند اینها، آنچه را برای ما تعریف کرده‌اند و از ما خواسته‌اند، اثبات کنیم. شارع استفاده از این راه‌ها را برای رفع اضطرار و نیازهای واقعی جایز دانسته است نه اینکه با آنها ماهیت حکم شرع را آن هم به صورت استاندارد و صددرصدی تغییر دهیم.

منابع و مأخذ

۱. الموسوی (امام خمینی)، سیدروح‌الله؛ کتاب البیع؛ ج ۲، قم: مؤسسه نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹.
۲. بورس (وابسته به شرکت اطلاع‌رسانی و خدمات بورس)؛ مصوبات کمیته تخصصی فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار، بورس اوراق بهادار، ایران، ۱۳۹۷.
۳. بورس (وابسته به شرکت اطلاع‌رسانی و خدمات بورس)؛ مصوبات کمیته تخصصی فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار، بورس اوراق بهادار، ایران، ۱۳۹۸.
۴. توتونچیان، ایرج؛ اقتصاد پول و بانکداری؛ تهران: مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، ۱۳۷۵.
۵. الحر العاملی؛ وسائل الشیعه؛ قم: مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۹ق.
۶. ربانی گلپایگانی، علی؛ «شریعت و مصلحت»، کلام اسلامی؛ دوره ۲۲، ش ۸۵، ۱۳۹۲.
۷. سامی حسن، محمود؛ «بیع المرابحه للآمر بالشراء»، مجله مجمع الفقه الاسلامی؛ ج ۲، ش ۵، مرکز البرکة للبحوث والاستشارات المالیه الإسلامیه، عمان المملکه الأردنیة الهاشمیة، ۱۹۷۶م.
۸. شهنازی، روح‌الله و مجتبی پناهی؛ «سنجش میزان اخلاقی بودن بانکداری در ایران؛ مطالعه موردی بانک‌های ایران، شعب شیراز»، تحقیقات مالی - اسلامی؛ س ۶، ش ۲ (پیاپی ۱۲)، بهار و تابستان ۱۳۹۶.
۹. صدر، سیدمحمدباقر؛ اقتصادنا؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی - شعبه خراسان، ۱۴۱۷ق.
۱۰. العلامة الحلی، حسن بن یوسف؛ تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیه؛ ج ۲، قم: مؤسسه امام صادق، ۱۴۲۰ق.

۱۱. علیدوست، ابوالقاسم؛ «ظرفیت‌های فقه در رویارویی با مسائل دنیای معاصر»، *اقتصاد اسلامی*؛ ش ۶۲، ۱۳۹۵، ص ۶۱-۷۸.
۱۲. قلعه‌جی، محمدرواس؛ «کارتهای اعتباری در بانکداری بدون ربا»، *اقتصاد اسلامی*؛ س ۴، ش ۱۴، ۱۳۸۳.
۱۳. کاوند، مجتبی؛ *طبقه‌بندی ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)*؛ مرکز پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی، سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۶.
۱۴. گلیپایگانی، سیدمحمدرضا؛ *مجمع المسائل* (فارسی)؛ قم: دار القرآن الکریم، ۱۴۱۴ق.
۱۵. *مجموعه من المؤلفین*؛ کتاب *مجلة مجمع الفقه الإسلامی - بیع المرابحة للآمر بالشراء فی المصارف الإسلامیة*؛ إعداد دكتور رفیق یونس المصری، المكتبة الشاملة الحدیثة، ۱۴۱۴ق.
۱۶. *مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و مبارزه با پولشویی اداره مطالعات و مقررات بانکی، قرارداد جعاله*، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۲.
۱۷. *مدیریت نظارت بر کارگزاران سازمان بورس و اوراق بهادار؛ دستورالعمل خرید اعتباری اوراق بهادار*، سازمان بورس و اوراق بهادار، تهران، ۱۳۹۱.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر؛ *حیله‌های شرعی و چاره‌جویی‌های صحیح*؛ ج ۲، قم: انتشارات مدرسه الإمام علی بن ابی‌طالب (علیه السلام)، ۱۴۲۸ق.
۱۹. معصومی‌نیا، علی و سمیه رشیدیان؛ «نگرش اسلام به رفاة اقتصادی»، *معرفت اقتصاد اسلامی*؛ ش ۱۳، ۱۳۹۴، ص ۵۵-۷۶.
۲۰. موسویان، سیدعباس؛ «بهره بانک‌های دولتی»، *نامه مفید*؛ ش ۱۴، ۱۳۷۷.
۲۱. موسویان، سیدعباس؛ *بازار سرمایه اسلامی*؛ قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱.
۲۲. _____؛ «نقد و بررسی مبانی حقوقی و دلایل اقتصادی بهره»، *کتاب نقد*؛ ش ۱۱، تابستان ۱۳۷۸.
۲۳. _____؛ «بررسی فقهی - اقتصادی سپرده‌های انتقال‌پذیر در بانکداری بدون ربا»، *مجله فقه اهل بیت*؛ ش ۱۷-۱۸، ۱۳۷۸.
۲۴. _____؛ «ربا در بانکهای دولتی»، *مجله فقه*؛ ش ۲۷-۲۸، ۱۳۸۰.
۲۵. _____؛ «آثار اقتصادی جایگزینی نظام مشارکت به جای نظام بهره»، *اقتصاد اسلامی*؛ س ۲، ش ۵، ۱۳۸۱.
۲۶. _____؛ «مصادیق پنهان و آشکار ربا در نظام بانکی ایران»، *اقتصاد اسلامی*؛ س ۲، ش ۶، ۱۳۸۱.
۲۷. _____؛ «دین و اقتصاد»، *مجله اقتصاد اسلامی*؛ ش ۸، زمستان ۱۳۸۱، ص ۳۷-۶۰.

۲۸. _____؛ «حوزه‌های فقه‌ای و عرصه‌های کارشناسی بانکداری اسلامی»، **اقتصاد اسلامی**؛ س ۳، ش ۱۲، ۱۳۸۲.
۲۹. _____؛ «ارزیابی سپرده‌های بانکی و پیشنهاد سپرده‌های جدید»، **اقتصاد اسلامی**؛ س ۴، ش ۱۵، ۱۳۸۳.
۳۰. _____؛ «اصلاح ساختار مؤسسات و ابزارهای مالی بازار پول و سرمایه بر اساس تعالیم اسلام»، **فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق**؛ ش ۲۵، بهار ۱۳۸۰، ص ۱۴۳-۱۷۰.
۳۱. _____؛ **ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)**؛ قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶.
۳۲. موسویان، سیدعباس، میثم فدایی واحد و مهدی علی حسینی؛ «خرید اعتباری سهام در بانکداری و بازار سرمایه اسلامی»؛ **اقتصاد اسلامی**؛ س ۱۳، ش ۴۹، بهار ۱۳۹۲.
۳۳. موسویان، سیدعباس و مجتبی کاوند؛ «مدیریت نقدینگی در بانکداری اسلامی»، **معرفت اقتصادی**؛ س ۲، ش ۱ (پیاپی ۳)، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.
۳۴. موسویان، سیدعباس و مهدی الهی؛ «امکان‌سنجی فقهی تشکیل بازار بین بانکی در بانکداری اسلامی»، **اقتصاد اسلامی**؛ س ۱۰، ش ۳۸، تابستان ۱۳۸۹.
۳۵. موسویان، سیدعباس و حسین میثمی؛ **بانکداری اسلامی (۱)**: مبانی نظری- تجارب عملی؛ تهران: پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۴.
۳۶. موسویان، سیدعباس و شیرمردی احمدآباد، حسین؛ «اوراق سلف موازی در تأمین مالی صنعت خودرو»، **بورس اوراق بهادار**؛ دوره ۸، ش ۳۰، تابستان ۱۳۹۴، ص ۲۵-۵۲.
۳۷. موسویان، سیدعباس، محمدرضا کاتوزیان، محمد طالبی و محمدرضا حاجیان؛ «توافق‌نامه بازخرید (ریپو) در بازار بین بانکی اسلامی»، **اقتصاد اسلامی**؛ س ۱۵، ش ۶۰، زمستان ۱۳۹۴.
۳۸. موسویان، سیدعباس و رسول خوانساری؛ «اجتهاد چندمرحله‌ای روش پژوهش استنباط مسائل فقه اقتصادی»، **اقتصاد اسلامی**؛ س ۱۵، ش ۶۳، ۱۳۹۵.
۳۹. موسویان، سیدعباس و فرشته ملاکریمی؛ «تعزیر مالی و جریمه دولتی برای مطالبات غیر جاری در بانکداری اسلامی»، **اقتصاد اسلامی**؛ س ۱۶، ش ۶۴، زمستان ۱۳۹۵.
۴۰. موسویان، سیدعباس، محمدرضا مهربان‌پور و محمدرسول حشمتی؛ «آسیب‌شناسی و نقد وضعیت بانکداری ایران از منظر عدالت اقتصادی»، **مطالعات اقتصاد اسلامی**؛ س ۱۲، ش ۱ (پیاپی ۲۳)، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، ص ۱۲۱-۱۵۰.
۴۱. مهرپور، حسین؛ **مجموعه نظرات شورای نگهبان**؛ تهران: مؤسسه کیهان- دادگستر، ۱۳۷۱.

۴۲. مهربان‌پور، محمدرضا، سیدعباس موسویان و محمدرسول حشمتی؛ «میزان کامیابی شبکه بانکی کشور در تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام»، *اقتصاد اسلامی*؛ س ۱۹، ش ۷۶، زمستان ۱۳۹۸، ص ۱۱۹-۱۵۰.

۴۳. نجفی، محمدحسن؛ *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.

۴۴. هاشمی شاهرودی، سید محمود و جمعی از پژوهشگران؛ *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت*؛ ج ۳، قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت، ۱۴۲۶ق.

۴۵. *قراءات فقهیه معاصر*؛ ج ۲، قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت، ۱۴۲۳ق.

46. Beder, Tanya S.& Marshall, Cara M; **Financial Engineering: The Evolution of a Profession**; John Wiley & Sons, 2011.

47. Iqbal, Zamir; "Financial engineering in Islamic finance", *THUNDERBIRD INTERNATIONAL BUSINESS REVIEW*; A Wiley Company, 1999, pp.541-559.

۴۸. رفیق یونس مصری، *بیع المرابحة للامر بالشراء فی المصارف الإسلامیة* در:

<http://shamela.ws/browse.php/book-۸۳۵۶/#page-۵۷۹۰>

49. <https://b2n.ir/e۶۰۷۳۷>

۵۰. «نگاهی به حجم انتشار صکوک در دنیا و ایران»، ص ۹، در:

51. <https://b2n.ir/d ۸۴۳۸۶>

52. <https://b2n.ir/t.۳۴۴۰۳>

53. <https://b2n.ir/x76156>

تفصیل مباحث فقهی مرابحه بانکی و چالش‌های مربوطه در این مقاله آمده است: معصومی‌نیا، مقاله «مرابحه در فقه و مرابحه بانکی»؛ در کتاب تأملاتی در بانکداری و بازار سرمایه، ج ۲ (نقد طرح بانکداری مجلس شورای اسلامی)، تهران: بنیاد فرهنگ و اندیشه انقلاب اسلامی، اردیبهشت ۱۴۰۰، ص ۱۳۳-۱۸۶.

54. <https://b2n.ir/x76156>

55. <https://b2n.ir/s65980>

56. <https://b2n.ir/s42634>

57. <https://b2n.ir/h76685>

58. <https://b2n.ir/522455>

۵۹. نشست مشهد ۱۳۹۷ (<https://b2n.ir/z38784>).

